

مجموعه‌ای کوتاه در باره انتقاد
منتخباتی از نامه‌های صادره از جانب حضرت ولی‌ام‌الله خطاب به افراد
(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

حضرت شوقی افندی در باره این موضوع دستوراتی مشروح به محفل ملی داده‌اند و اطمینان دارند که احباً دقیقاً از آن اطاعت خواهند نمود. در چنین زمانی که عالم سیاست آشفته و جامعه بشری، در نتیجه فعالیت‌های نهادهایی که برداشت ناقصی از حقایق دارند، مشرف به موت مشاهده می‌شود احبای الهی باید همچون هیکلی واحد متحد گردند. هر چه متحدتر باشند می‌توانند به موفقیت خود مطمئن‌تر گردند و لکن نیل به این وحدت بدون اطاعت از محافل ممکن نیست. با وجود اینکه این محافل هنوز نابالغ اند و ممکن است بعضی اوقات به اقدامی نامعقول مبادرت نمایند حمایت از آنها بیش از انتقاد و نادیده گرفتن نظرات آنها به پیشرفت‌شان به سوی اداره امور به نحوی که حقیقتاً نمایانگر نظم اداری امر الهی باشد کمک خواهد کرد. حضرت بهاء‌الله نه تنها اصول خاصی را توصیه فرموده‌اند بلکه نظامی را نیز برای استقرار و تداوم هدف مورد نظر خود مقرر نموده‌اند. هر دوی این مراحل برای تحقق هدف وحدت عالم انسانی ضروری است. (ترجمه)

(۲۷ فوریه ۱۹۳۳)

احباً کاملاً مختارند که انتقادات خود را به محافل‌شان ارائه دهند و می‌توانند نظرات خویش را راجع به خط مشی یا اعضای مؤسسات انتخابی به محفل روحانی محلی یا ملی آزادانه ابراز دارند، و لکن در عین حال باید بر طبق اصولی که برای چنین مواردی در نظم اداری بهائی مقرر گردیده از صمیم قلب توصیه یا تصمیم آن محفل را بپذیرند. (ترجمه)

(۱۳ مه ۱۹۴۵)

حضرت ولی‌ام‌الله ... پیشنهادات مختلف شما را که در جلسه اخیر محفل روحانی ملی تقدیم نموده بودید با اشتیاق خاص ملاحظه فرمودند....

روح انتقاد صریح و سازنده پیشنهادات شما یقیناً آنان را تحت تأثیر قرار داده سبب آگاهی جدید و عمیق‌تر آنان نسبت به مسئولیت‌های منحصر بفردی که بایستی امروزه به عهده بگیرند گردیده است. (ترجمه)

(۱۹ اوت ۱۹۳۸)

... در مورد حق انتقاد صریح احباً از خط مشی یا اقدام هر محفلی، لازم به ذکر است که این نه تنها حق آنان بلکه وظیفه حیاتی هر عضو وفادار و هشیار جامعه بهائی است که صریحاً و کاملاً هر پیشنهاد و توصیه یا انتقادی را که وجداناً احساس می‌نماید که باید برای بهبود و ترمیم بعضی امور یا روال موجود در جامعه محلی خود

ارائه دهد ابراز نماید ولی با احترام لازم و با در نظر گرفتن مقام و مرجعیت محفل. بهترین فرصتی که برای این منظور تعیین شده ضیافت نوزده روزه است که علاوه بر جنبه های روحانی و اجتماعی، نیازها و احتیاجات متعدّد اداری جامعه بهائی را نیز برآورده می سازد که مهم ترین آنها احتیاج به انتقاد صریح و سازنده و مشورت در باره اوضاع امور داخلی جامعه محلی بهائی است.

ولکن مجدداً باید تأکید نمود که از هر نوع انتقاد و بحث های منفی که ممکن است موجب تضعیف اختیارات نفس محفل روحانی گردد باید اکیداً خودداری شود، زیرا در غیر این صورت نظم امرالله خود در خطر خواهد افتاد و آشفتگی و اختلاف بر جامعه غلبه خواهد یافت. (ترجمه)

(۱۳ دسامبر ۱۹۳۹)

حضرت ولی امرالله معتقدند که قسمت اعظم مشکلاتی که احبای هندوستان از آن رنج می برند به علت عدم درک و اجرای صحیح نظم اداری است. به نظر می آید که بسیاری از آنان تمایل به مخالفت دائم و انتقاد مستمر از محافل خود دارند. اگر بهائیان با تضعیف هیئت هایی که در عین عدم بلوغ سعی در هماهنگ نمودن فعالیت های جامعه بهائی و اداره امور آن را دارند پیوسته از آنها انتقاد نمایند و تصمیمات شان را تحقیر و مورد مؤاخذه قرار دهند. نه تنها مانع هر نوع پیشرفت سریع حقیقی امرالله می شوند بلکه موجب انصراف دیگران نیز می گردند که ممکن است این سؤال بجا را مطرح کنند که چطور ما انتظار داریم دنیا را متحد کنیم در حالی که آن قدر بین خودمان اختلاف داریم.

فقط یک راه علاج برای این مسئله وجود دارد و آن مطالعه نظم اداری، اطاعت از محافل و سعی هر یک از احباً در تهذیب اخلاق خویش بعنوان یک بهائی می باشد. ما هرگز قادر نیستیم نفوذی را که می توانیم بر خود داشته باشیم همان را بر دیگران اعمال نماییم. اگر ما بهتر باشیم، اگر از خود محبت و شکیبایی نشان دهیم و نقاط ضعف دیگران را بپذیریم؛ اگر سعی کنیم که هرگز انتقاد نکنیم بلکه تشویق نماییم، دیگران هم به همین نحو رفتار خواهند کرد و ما می توانیم از طریق رفتار خود و قوای روحانی خویش به امر مبارک بسیار کمک کنیم. احباً همه جا در ابتدای تأسیس نظم اداری برایشان مشکل است که خود را تطبیق دهند. آنان باید یاد بگیرند که به خاطر حفظ وحدت و اتحاد حتی زمانی که محفل احیاناً در اشتباه باشد از آن اطاعت نمایند. احباً باید تا حدی شخصیت خود را فدا کنند تا حیات جامعه در مجموع رشد نموده و توسعه یابد. این کار مشکلی است ولی باید در نظر داشته باشیم که همین امور وقتی امر الهی به نحو صحیح بر طبق نظم اداری استقرار یابد ما را به یک زندگانی بس والایتر و کامل تر سوق خواهد داد. (ترجمه)

(۲۶ اکتبر ۱۹۴۳)

انتقاد خشن و مغرضانه برآستی یک مصیبت است و ریشه آن عدم ایمان به نظام حضرت بهاءالله یعنی نظم اداری و عدم اطاعت از آن حضرت می باشد زیرا آن را منع فرموده اند. اگر احباً احکام بهائی را در مورد ابدای

رأی، شرکت در انتخابات، خدمت و اطاعت از تصمیمات محفل روحانی تبعیت می نمودند، این همه قوایی که صرف انتقاد از دیگران می شود می تواند به همکاری و موفقیت در نقشه معطوف گردد. سعی مکرر نماید تا این موضوع به آنان تفهیم گردد. (ترجمه)

(۱۸ دسامبر ۱۹۴۹)